

**آمریکا از درک پیوندهای برادرانه تهران و بغداد ناتوان است**

# دام آمریکا برای عراق

**سجاد عطا‌زاده**
**مترجم**

**مینا العریبی**، **سر‌دیبر روزنامه انگلیسی‌ زبان** در مقاله **The National** «**عراق را ترک نکنید: در چرایی تداوم حضور آمریکا در عراق**» که در وب‌سایت **فازن** آفرز منتشر شده است، سعی در توجیه تداوم حضور آمریکا در عراق داشته است. العریبی در این مقاله سعی کرده آمریکا را **ضامن حاکمیت عراق توصیف کند؛ گزاره‌ای** که بی پایه بودن آن در **نگاهی سطحی** به وضعیت عراق در طول سالیان اشغال روشن می شود. نکته مهم‌تری که خوانش این مقاله آن را روشن می سازد، بیم آمریکا و حامیان آن از پیوند محکم جهانی اسلام‌ی ایران و عراق و ارتباط قوی دو کشور است. به علاوه، پیوندی بغض و کینه خود را از گروه‌های بسیج مردمی عراق نیز نشان می دهد؛ همان گروه‌هایی که در زمان رها کردن بغداد از سوی واشنگتن در برابر حمله داعش، با فتوای مرجعیت و پاکم‌های نیروهای مقاومت، در برابر تروریست‌های ساخته دست آمریکا ایستاده و تبدیل به ضامنان اصلی استقلال و حاکمیت این کشور شدند.

اکثر نخست‌وزیران عراق در دوده‌گذشته در مقطعی از ارتش آمریکا خواسته‌اند کشورشان را ترک کنند. نخست‌وزیر ابراهیم الجعفری اولین درخواست عمومی برای خروج ایالات متحده را در سال ۲۰۰۵ مطرح کرد و پس از او این گزاره از سوی نوری المالکی در سال ۲۰۰۸، عادل عبدالمهدی در سال ۲۰۲۰ و محمد السوداني، نخست‌وزیر کنونی در دسامبر ۲۰۲۳ تکرار شده است. در بیشتر بازه زمانی مذکور، مبدأ این درخواست‌ها گروه‌های شبه‌نظامی اسلام‌گرای تحت حمایت ایران هستند که در عراق فعالیت کرده و رهبران سیاسی بغداد را واداشته‌اند تا خواستار خروج نیروهای آمریکایی از عراق شوند.

مذاکرات دو جانبه طی ۱۵ سال گذشته با بیشتر سبب شده است حضور نظامی ایالات متحده در عراق از زمان اوج آن در سال ۲۰۰۷، یعنی زمانی که ۱۷۰ هزار نیروی آمریکایی به عنوان بخشی از «بسیج» مبارزه با القاعده و پشتیبانی از نیروهای مسلح این کشور که پس از متلاشی شدن از سوی واشنگتن در سال ۲۰۰۳ هنوز در مرحله بازسازی خود بودند، به شدت کاهش یابد. باراک اوباما تمام نیروهای ایالات متحده را تا اواخر سال ۲۰۱۱ از عراق خارج کرد و تنها ۳ هزار نفر را سه سال بعد برای مبارزه با گروه [موسوم به] دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به این کشور بازگرداند. تعداد فعلی سربازان آمریکایی در عراق اکنون ۲۵۰۰ نفر است. تهدید ایجاد شده از سوی القاعده و داعش در این کشور که به میزان قابل توجهی کاهش یافته و اعمال خشونت‌آمیز چشمگیر کم نادر شده، شرایطی که توجیه‌کننده حضور کم‌رنگ نیروهای آمریکایی در عراق است. اکنون سودانی به دنبال پایان دادن به ماموریت نظامی آمریکا در عراق است. نخست‌وزیر با فشار شرکای خود در دولت مواجه است؛ بلوکی موسوم به چهارچوب هماهنگی که از احزاب شیعه اسلام‌گرای تشکیل شده است که نزدیک به ایران هستند. او همچنین به دنبال تقویت جایگاه خود است. اگرچه سودانی به عنوان فرمانده کل قوا عملاً باید بر تمام نهاد‌های مسلح عراقی تفوق داشته باشد، اما در عمل، گروه‌های شبه‌نظامی یا به صورت خودمختار یا از طریق نیروهای بسیج مردمی – سازمانی فرابکر که از نظر قانونی بخشی از دستگاه امنیتی عراق بوده اما مستقیماً با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران – هماهنگی کند. هنگامی که سودانی در ۱۵ آوریل با جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در واشنگتن دیدار کند، از ایالات متحده درخواست خواهد کرد تمام نیروهای آمریکایی را از عراق خارج کند، اما بعید است که طرخی برای مقابله با شبه‌نظامیان پس از خروج این نیروها ارائه کند. انجام این کار مستلزم تقویت نهاد‌های عراق است، زیرا گروه‌های شبه‌نظامی و سیاستمدارانی که از آنها حمایت کرده از ساختارهای دولتی ضعیف سوء استفاده می کنند. با این حال با توجه به اینکه برخی از اعضای ائتلاف حاکم در بسیج مردمی عراق نیز سمت دارند، اراده سیاسی چندانی برای چنین اصلاحاتی وجود ندارد.

خطر تشدید تنش از سوی گروه‌های مسلح واقعی است. در ماه‌های اخیر، چندین گروه شبه‌نظامی ازجمله کتائب حزب‌الله که تحت تحریم ایالات متحده است فعال‌تر شده‌اند و به پایگاه‌های ارتش عراق، پرسنل آمریکایی و یک پایگاه آمریکایی در اردن حمله کرده‌اند. حتی یک گروه کم هو ادعا کرده موشکی را پرتاب کرده که به شهر ایالت اسرائیل رسید است؛ موشکی که باید از حریم هوایی **احمد اولیائی** **عضو هیات‌علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی**

یکی از سخت‌ترین کارها فهم قرآنی مفاهیمی است که با در دنیای امروز تولید شده یا معنای پیشینی آن تغییر کرده است. به عنوان مثال «دولت» به عنوان مفهومی در علوم سیاسی مدرن، آیا مستقیماً در قرآن یافت می شود یا حتی غیرمستقیم هم نمی‌توان درموردش مطلبی یافت؟! شاید این پرسش به سوال بنیادی تری برگردد که آیا قرآن برای انسان امروز نیز نقش هدایتگری دارد یا خیر که البته این سوال از بحث ما خارج است؛ چراکه پیش فرض و پاسخ ما به این سوال «آری» است. ایاتی مانند آیه ۵۹ سوره انعام «وَلَا يَاسِرُ الْاِفْئِي كِتَابِ مُبِينٍ»، آیه ۸۹ سوره نحل «وَ تَرْتَلْنَ عَلَيْكَ الْكُتَابَ تَيَّيَانًا لِغَلِيٍّ كَلِمَةٍ»، یا آیه ۸۰۳ سوره انعام: «مَا فَوْظَلْنَا فِي الْكُتَابِ مِنْ شَيْءٍ» این پیش فرض را تأیید می کند. همچنین در روایات متعددی نیز به این موضوع اشاره شده است. به عنوان مثال امام رضا(ع) نقل می‌کنند که مریدی از امام صادق(ع) می پرسد: حالت قرآن چگونه است که هرچه خوانده می شود، تازه‌تر می شود. امام(ع) پاسخ فرمود: «زیرا خداوند قرآن را برای زمان ویژه و مردمانی مخصوص و معین قرآن نداد. قرآن در هر زمانی تازه و نو و نزد هر ملتی تا روز قیامت مورد استفاده است.» (بحارالانوار، ۱۵/ ۹۲) یا این پیش فرض که قرآن می تواند انسان و جامعه امروز را هدایت کرده و برای مساله فردی و اجتماعی او و جامعه‌اش حرف دارد، به چالش فهم مفاهیم مدرن مانند عدالت اجتماعی از قرآن وارد می شویم.

**مدرن بودن عدالت اجتماعی**

اگر می‌گوییم عدالت اجتماعی مفهومی مدرن است، به این معنا نیست که به طور کل در تاریخ اسلام یا در زمان نزول قرآن اساساً مساله عدالت اجتماعی وجود نداشته است یا قرآن مطلقاً پادان بر توجه بوده است، بلکه به این معناست که باتشکیل دولت مدرن و تغییر الزامات حکمرانی، مفهوم عدالت اجتماعی کمی متغیر شده است. شاید بهتر است بگوییم آنچه قدمت بیشتری دارد عدالت فردی است که در حوزه اخلاق و فقه از آن صحبت می‌کنیم و ناظر به رعایت انصاف و عدالت در مناسبات فردی است. بازنظیر و رعینیت عدالت در یک فرد مانند شاهد و

اردن یا سوریه عبور کرده باشد. ایران به عنوان حامی این گروه‌های شبه نظامی از هیاهویی که در سراسر خاورمیانه گسترش یابد، سود می برد. به علاوه، خروج ایالات متحده از عراق به تهران فرصت‌های بیشتری برای افزایش نفوذ خود در بغداد ارائه می دهد.

اگر حضور نظامی ایالات متحده در عراق به پایان برسد، احتمالاً متعاقباً شاهد ایجاد اختلافات سیاسی خواهیم بود. پیشرفت‌های حاصل شده برای نیروهای مسلح عراق از سال ۲۰۱۲ یعنی زمانی که آنها نتوانستند مانع پیشروی داعش در یک‌سوم خاک خود شوند، در صورت برداشته شدن دست حمایت ایالات متحده ممکن است از بین برود. نیروهای آمریکایی به توسعه حرفه‌ای نیروهای نظامی عراقی کمک کرده و دور ماندن آنها از سیاست راتسهیل می‌سازند. بغداد در تلاش برای حفظ روابط با ایران با عین مقاومت در برابر دیکته‌های تهران، موازنه ظریفی را ایجاد کرده است؛ اما بدون ایالات متحده به عنوان وزنه تعادل، حفظ این موازنه تقریباً غیرممکن خواهد بود. واشنگتن اکنون باید از اهمر نفوذ خود در بغداد برای حفظ حضور نظامی غیرچنگی، مشابه نیروهایی که در آلمان، ژاپن، فیلیپین و کشورهای دیگر دارد، استفاده کند. یک توافق بلندمدت دوجانبه برای حضور نیروهای آمریکایی در عراق نشان دهنده حمایت آشکار کاخ سفید از نیروهای مسلح عراق و همچنین سیگنالی است که نشان می دهد عراق وابسته به ایران نیست؛ بلکه یک مشارکت‌کننده مستقل در ساختار امنیتی گسترده‌تر و وسیع‌تر به شمار می‌رود. با حمایت‌های بین‌المللی و ایالات متحده، عراق می تواند در مسیر تبدیل شدن به سنگ بنای ثبات در منطقه حرکت کند.

**فضای مذاکره**

حضور ایالات متحده در عراق در برهه‌ای ناپایدار برای خاورمیانه در کانون توجه قرارگرفته است. جنگ در نوار غزه فرصت‌هایی را برای آن دسته از بازیگران خارجی ایجاد کرده است که به دنبال سود بردن از ویرانی‌ها هستند. ازجمله ایران. نیروهای نیابتی ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری فعال هستند و تهران خواستار چیزی جز کاهش حضور ایالات متحده در منطقه و ترک کامل عراق نیست. کشتش ایران برای گروه‌های شبه‌نظامی اکنون قوی‌تر از قبل شده است؛ زیرا تهران در بحوحه جنگ ویرانگر غزه که پس از حمله حماس در ۷ اکتبر آغاز شده است، لفاظی‌های خود در مورد رویارویی با اسرائیل و حامی اصلی آن ایالات متحده را دوچندان کرده است. اگر نیروهای آمریکایی مستقر در عراق به خانه فرستاده شوند؛ تهران در این زمان حساس یک پیروزی سیاسی را کسب خواهد کرد و به این کشور آزادی عمل بیشتری در گام بعدی خود در عراق داده خواهد شد.

ایالات متحده امروز دوستان زیادی در رهبری عراق ندارد؛ و وضعیتی که نتیجه عدم تعامل دیپلماتیک این کشور در طول سال‌ها به شمار می رود. با این حال، این امر بدان معنا نیست که سیاستمداران عراقی همگی خواهان خروج نیروهای آمریکایی از این کشور هستند. به‌طور خاص رهبران کرد از لحاظ تاریخی روابط نزدیکی با ایالات متحده داشته‌اند و ترجیح می دهند نیروهای آمریکایی در خاک عراق باقی بمانند. فواد حسین، وزیر امور خارجه و سیاستمدار کارکنشته اهل اقلیم کردستان، تمایل خود را برای ادامه روابط با واشنگتن برای مقابله با تهدید دائمی داعش ابراز کرده است. گزارشی از پولیتیکو در ژانویه به نقل از «مشاوران ارشد» دولت عراق مدعی شد که در پشت صحنه، مقامات بغداد –ازجمله خود سودانی – ادامه حضور آمریکا در این کشور را ترجیح می دهند (البته سودانی سرعیا این گزارش را تکذیب کرد). حتی در داخل نیروهای بسیج مردمی نیز برخی از بازیگران سیاسی که روابط نزدیکی با ایران دارند نیز به دنبال اجتناب از تابعیت کامل از تهران هستند.

در این میان سیاست‌های دولت عراق نیز تا حدودی متناقض است. تلاش‌های کنونی برای پایان دادن به حضور نظامی ایالات متحده بخشی از تلاش گسترده‌تر بغداد برای محدود کردن نفوذ بین‌المللی در این کشور است؛ دولت عراق همچنین استفاده از دینار عراق را برای معاملات مالی به جای دلار آمریکا دنبال می‌کند و نهاد ماموریت کمک‌رسانی سازمان ملل به عراق را نیز که به نظارت بر انتخابات و ترویج گفت‌وگو میان احزاب سیاسی رقیب کمک کرده، محدود کرده است. اردوگاه‌هایی هم که توسط سازمان بین‌المللی مهاجرت و سایر نهاد‌های خارجی برای عراقی‌هایی که به دلیل خشونت آواره شده احداث شده‌اند، در تابستان امسال بسته می‌شوند؛ حتی اگر همه ساکنان آنها برای در این کشور، فرصت‌های دولتی عراق نیز تا حدودی متناقض است. تلاش‌های کنونی برای پایان دادن به حضور نظامی ایالات متحده بخشی از تلاش گسترده‌تر بغداد برای محدود کردن نفوذ بین‌المللی در این کشور است؛ دولت عراق همچنین استفاده از دینار عراق را برای معاملات مالی به جای دلار آمریکا دنبال می‌کند و نهاد ماموریت کمک‌رسانی سازمان ملل به عراق را نیز که به نظارت بر انتخابات و ترویج گفت‌وگو میان احزاب سیاسی رقیب کمک کرده، محدود کرده است. اردوگاه‌هایی هم که توسط سازمان بین‌المللی مهاجرت و سایر نهاد‌های خارجی برای عراقی‌هایی که به دلیل خشونت آواره شده احداث شده‌اند، در تابستان امسال بسته می‌شوند؛ حتی اگر همه ساکنان آنها برای

خود خانه‌های دائمی تأمین نکرده باشند.

با این حال، دولت عراق همچنان به دنبال برقراری پیوند نظامی با غرب است. گروه مأمور ناتو در عراق که به آموزش و مشاوره نیروهای عراقی کمک می‌کند، برخلاف آمریکا، زیر بار انتقاد‌ها قرار ندارد. سودانی در اوایل سال جاری با بنیس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو دیدار کرد تا مجدداً تأکید کند مایل است این ائتلاف همچنان در عراق باقی بماند. رهبران عراق به وضوح می‌خواهند تخصص و آموزش نظامی غربی را حفظ کنند؛ واشنگتن هم می‌تواند از این تمایل به عنوان اهرمی برای اطمینان از برقراری یک نیروی حرفه‌ای و تحت حمایت ناتو استفاده کند. برنامه ریزی برای آینده عراق پسادگرایی خود یک نقطه قوت برای این کشور به شمار می رود. بغداد سیاست‌های اخیر خود را به عنوان خاتمه فصل جنگ و اشغال ترسیم کرده است؛ گامی رو به جلو که هیچ عراقی‌ای با آن مخالفت نمی‌کند اما مانور سیاسی که باعث این تغییر شده؛ شاید عراق را در درازمدت بی‌ثبات کند، زیرا پیروزی ظاهری جناح‌هایی که خواستار کاهش نفوذ ایالات متحده هستند، به این معنی است که تلاش مشابهی برای کاهش نفوذ ایران وجود ندارد. درخواست‌ها برای خروج ایالات متحده از عراق از سوی همان شبه‌نظامیان متحد ایران صورت می‌گیرد که رهبران آن آشکارا معترف گرفتن رهنمون از سپاه پاسداران هستند. دزنهایت این گروه‌ها نسبت به نیروهای خارجی که اهداف و وظایف آنها به وضوح تعریف و محدود شده است، با هماهنگی دولت عراق تنظیم شده و از سوی مردم عراق قابل درک است، حاکمیت عراق را بیشتر به چالش می‌کشد.

**دلایل بقا**

دولت‌های پیشین ایالات متحده تلاش‌های مختلفی را برای پاسخگویی به خواسته‌های عراق برای مذاکره مجدد درباره حضور نظامی ایالات متحده در عراق انجام داده‌اند. خاطرات وعده رئیس‌جمهور اوباما برای خروج نیروهای آمریکایی از عراق و بازگشت سه‌سال بعد آنها به این کشور هنوز هم در خاطرات اهالی عراق زنده است. در سال ۲۰۰۶، زمانی که دولت عراق برای دیگر خواستار خروج نیروهای آمریکایی شد، دولت ترامپ علناً این درخواست را رد کرد. در مقابل، دولت بایدن تصمیم به خروج از عراق گرفته، اگرچه مقامات آمریکایی امیدوارند توافقی دو جانبه بتواند به برخی نیروها اجازه دهد که در عراق به عنوان بخشی از یک ماموریت مستشاری باقی بمانند. اما سیاستگذاران واشنگتن با پذیرش ایده اصلی خروج ایالات متحده، چالش‌های امنیتی کنونی در عراق را نادیده می‌گیرند. برای بیش از دو دهه، عراق سنگ بنای سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده بوده و فعالیت‌های نظامی ایالات متحده بیشتر بر تهدید تروریستی القاعده و بعداً داعش متمرکز بوده است. البته اگرچه این گروه‌ها هنوز هم تهدید به شمار می‌روند، دامنه دست‌درآزی آنان به شدت کاهش یافته است، اما در این میان خطرات دیگری در قالب گروه‌های شبه‌نظامی سرکش پدیدار شده است که بیشتر آنها از سوی تهران تغذیه می‌شوند.

با توجه به اینکه ایالات متحده علاوه بر عراق در سوریه، یمن و دریای سرخ هم درگیر اقدام نظامی است، رهبران آمریکایی ممکن است وسوسه شوند که تعهدات خود را کاهش دهند اما آنها نمی‌توانند از مقابله با تهدید نیروهای تحت حمایت ایران در عراق اجتناب کنند. در ماه ژانویه، نیروهای نیابتی مستقر در عراق حمله‌ای را به اردن انجام دادند که طی آن سه سرباز آمریکایی کشته شدند. در چند ماه گذشته، این گروه‌های شبه‌نظامی همچنین تهدید کرده‌اند که از اردن عبور می‌کنند و برای نبرد عازم اسرائیل خواهند شد. اگرچه درحال حاضر بعید به نظر می‌رسد که آنها به این تهدیدات عمل کنند، اما اگر ایالات متحده به‌طور کامل از عراق (و از سوریه، جایی که ۹۰۰ سرباز آمریکایی در آن مستقر هستند) عقب‌نشینی کند، ممکن است آنها فضای بیشتری برای مانور پیدا کنند. درمجموع نیروهای شبه‌نظامی تحت حمایت ایران، چه در عراق و چه در جاهای دیگر، خطر بزرگی برای امنیت منطقه‌ای در درازمدت دارند. حضور آنها انحصار دولت در استفاده از زور را تضعیف می‌کند و قدرت تصمیم‌گیری درباره جنگ و صلح را از دست دولت‌های با رسمیت شناخته‌شده خارج می‌کند. آن دسته از مقامات آمریکایی که از تداوم حضور نظامی واشنگتن در عراق حمایت می‌کنند، درباره نحوه تحقق این مهم اطمینان ندارند. رئیس دولت عراق علنا خواستار پایان ماموریت ایالات متحده شده است و سربازان آمریکایی نمی‌توانند برخلاف میل عراقی‌ها همچنان در این کشور باقی بمانند. جهت یافتن راه‌حلی که برای هر طرف قابل اجرا باشد، واشنگتن باید ارزش

حضور پیشنهادی خود را در عراق به حد اکثر برساند و بر هزینه گفت‌خروج خود تأکید کند. ایالات متحده باید امتیازاتی مانند افزایش آموزش نظامی و ارائه تجهیزات را پیشنه‌اد و به رهبران عراق تأکید کند که خروج از این کشور دسترسی بغداد به سامانه‌های تسلیحاتی پیشرفته و سایر مزایایی را محدود می‌کند که شراکت امنیتی با ابرقدرت اصلی جهان برای آنها به همراه آورده است. البته ایالات متحده در این میان بدون اهرم فشار هم نیست. عراق همچنان به شدت به حمایت سیاسی و نظامی واشنگتن برای تقویت نیروهای مسلح خود و همکاری با شرکای منطقه‌ای متکی است. سفر سودانی به واشنگتن چیزی بود که او و تیمش بیش از یک‌سال به دنبال آن بودند؛ امری که نشان دهنده ارزشی است که رابطه با ایالات متحده هنوز در بغداد دارد– وضعیت او درباره بسیاری از پایتخت‌های جهان هم صادق می‌کند. ارتش ایالات متحده نمی‌تواند انتظار داشته باشد به همان اندازه که در آلمان و ژاپن در هشت دهه گذشته حضور نظامی داشته در عراق هم حاضر باشد اما دولت بایدن نیز نمی‌تواند شاهد خروج آشفته‌ای از عراق باشد که مقیاس کوچک‌تری از خروج از و نشانه دیگری از کاهش نفوذ ایالات متحده باشد.

**آزمون اراده‌ها**

یک تناقض کلیدی در بطن سیاست عراق وجود دارد؛ درخواست‌های ارائه‌شده برای حاکمیت بیشتر عراق که در عمل به خروج نیروهای آمریکایی ترجمه می‌شود، توسط گروه‌هایی تحریک می‌شود که خود با گرفتن دستورات از تهران، اقتدار دولت عراق را تضعیف می‌کنند. ایالات متحده ضربه اولیه را [به حاکمیت عراق] با جنگ و اشغال سال ۲۰۰۳ وارد کرد و آسیب به حاکمیت عراق به شبه‌نظامیان و دیگر بازیگران غیردولتی اجازه داد تا در سال‌های پس از آن تکثیر شوند. این گروه‌ها با شبکه‌های فاسدی مرتبط هستند که سامانه‌های مالی، مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی کشور را تضعیف و از تانکتیک‌های حمایتی و نظامی برای کسب نفوذ استفاده می‌کنند. شبه‌نظامیان مسلح خود را در ساختارهای اقتصادی و سیاسی عراق جا داده‌اند؛ درحالی‌که احزاب غیرنظامی و سیاستمداران مستقل تلاش می‌کنند تا نفوذ آن را محدود کنند.

تنها راه‌حل درازمدت قابل دوام، بازسازی نهاد‌های دولتی عراق، از بین بردن فساد و خویشاوندسالاری است که دولت عراق را تضعیف کرده و به گروه‌های شبه‌نظامی انرژی می‌بخشد که عمدتاً وابسته به تهران هستند. دستیابی به این امر مستلزم احزاب سیاسی و سیاستمدارانی است که به ارائه خدمات عمومی متعدد باشند و بتوانند در مقابل دولت‌های خارجی که در امور عراق دخالت می‌کنند– به ویژه ایران – بایستند. تا زمانی که نمایندگان ایران از طریق فساد و اخذی جریان‌های پولی بدون وقفه دریافت می‌کنند و توافقی کسائی که به دنبال کاهش نفوذ این گروه‌ها هستند با ارضاب از قالب کمین‌های بدنامی، تهدید به مرگ و حتی ترور مواجه می‌شوند، نبل به این چشم‌انداز بعید باقی می‌ماند. وضعیتنی که باکشته شدن هشام الهاشمی تحلیلگر عراقی در جولای ۲۰۲۰، پس از انتقاد علنی از کتائب حزب‌الله برجسته شد. کاهش تعامل با آمریکا و جریان‌های بین‌المللی با از بین بردن فرصت‌های واشنگتن برای تحت فشار قرار دادن دولت عراق برای مهار گروه‌های شبه‌نظامی، تغییرات سیاسی را دشوارتر می‌کند، حتی حضور محدود ایالات متحده به رهبران عراق اهرمی برای مقاومت در برابر فشار جناح‌های شبه‌نظامی و تصمیم‌گیری مستقل می‌دهد. موضوع حضور نیروهای آمریکایی در عراق به آزمون اراده بین بازیگران سیاسی خواستار هماهنگی بغداد با تهران و سودانی تبدیل شده که می‌خواهند استقلال عراق را از طریق ایجاد توازن در روابط با تهران و واشنگتن تضمین کنند. آنچه در این بحث مطرح است بسیار بزرگ‌تر از چند هزار سرباز غیرچنگی است. به نفع عراق و ایالات متحده است بر سر یک توافق بلندمدت مذاکره کنند که مساله سربازان را حل و در مرحله بعدی روابط ایالات متحده و عراق را تنظیم کنند. مهم‌تر از همه، چنین توافقی به ایجاد ثبات بسیار موردنیاز کمک خواهد کرد و ضرورت پیش روی رهبران سیاسی عراق برای رسیدگی به چالش‌های داخلی این کشور را در کانون توجه قرار می دهد. درحالی‌که واشنگتن برای انتخابات آمریکا در اواخر سال جاری آماده می‌شود و با پیامد‌های جنگ غزه مقابله می‌کند، ایران به دنبال راه‌هایی برای تضعیف ایالات متحده در منطقه خواهد بود. خروج از عراق یک پیروزی سیاسی برای تهران و یک ضرر راهبردی برای عراق خواهد بود؛ زیرا بغداد در معرض خطر کشیده شدن بیشتر به مدار ایران قرار خواهد گرفت.

## چالش فهم مفاهیم مدرن از قرآن

بسته تولید نمی‌کنند بلکه این تفاوت در رفتارها، شاکله‌ها، فرهنگ‌ها و… یکی از حکمت‌های الهی است که بویایی اجتماعی را به همراه دارد. فولیاد این تفاوت‌ها تاحدی است که به فرمایش امام علی(ع) این اختلاف‌ها مانع هلاکت انسان‌ها می‌شود؛ الایزال الناس بخیر ما تفاضلا؛ فإذا تساوا لهلکوا؛

**آقامه جمعی عدالت**

تفاوت‌های اولیه بین انسان‌ها از جنس، بعضی منفی نیست وقرآناست نظام اجتماعی که مملو از تفاوت‌هاست، بسببتری برای آزمایش انسان باشد؛ وَذَیْقُوا لَعْنَةَ خَلْقِ الْأَرْضِ وَرَقَّ بَعْضُکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ ذَرَجَاتٍ لِیُبَلِّغُکُمْ فِی آتَاکُمْ (انعام، ۱۱۶) انسان باید آموده شود که چه مقدار جبران‌کننده نداشته‌های انسان دیگر است.

به نظر می‌رسد اساس قرآن نگاه اجتماعی به انسان دارد و انسان را در بستر جامعه تفسیر می‌کند، می‌شناسد و برایش حکم صادر می‌کند. گویی زمان تولد این تفاوت‌ها در جامعه تولد عدالت اجتماعی دقیق‌یک زمان است؛ چراکه قرار است انسان در کنار انسان عدالت اجتماعی را بسط دهد آن‌جا که می‌گوید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَرْسَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِیُحْمِلُوا خِلْفَهُ (حجید: ۱۵). در اینجا انسان به‌تنهایی اقامه قسط نمی‌کند بلکه «ناس» یا هم معنای جمعی‌اش این مهم را برعهده دارد.

لذا تفاوت‌ها به ساخت مفهوم جمعی ناس که اقامه‌کننده عدالت‌کنکم می‌کند.

و این گویی با اصالت جامعه در قرآن نیز همخوانی دارد. شهید مطهری معتقد است با توجه به آیاتی که در آنها جامعه و امت مخاطب قرار گرفته (بقره: ۱۳۴ و ۱۴) ، آیاتی که برای امت‌ها فعالیت و اراده تغییر سرنوشته قائلند (عده:۱۱) و آیاتی که برای جوامع صفاتی مانند «اجل» (اعراف: ۲۴) ، سرنوشته، (جاثیه: ۲۸) ، شعور و طرز تفکر (انعام: ۱۰۸) ، طاعت و معصیت (یونس: ۲۷) که لازمه آن تشخیص و وجود حقیقی داشتن جامعه است، ترسیم می‌کنند، می‌توان به این نتیجه رسید که جامعه یک اصالت و یک وجود حقیقی دارد.

**درآمدی بر نظریه تکمیل در حل مساله عدالت**

همه می‌دانیم عدالت اجتماعی با عدالت فردی متفاوت است. عدالت اجتماعی یک وجه جمعی دارد. با این توضیح که سه رنگ (ب) انسان‌ها در یک جمع شکل گرفته (ب،

## فرهنگ‌یگان

# سید

## آزمودنی

سه‌شنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

شماره ۴۱۴۰

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir